

بررسی جنبه‌هایی از تعدیل ساختاری در بخش کشاورزی

دکتر غلامرضا حیدری

تعدیل ساختاری فرایند پیچیده‌ای است که تغییرات مورد انتظاری را در آرایش، ترکیب و کارکرد اجزای نظام اقتصادی، اجتماعی ملی پدید می‌آورد. در این فرایند هدفهای متعددی مانند بهره‌برداری بهینه از منابع، جلب مشارکت مردم، کاهش هزینه‌ها، رفع محدودیتها و موانع تولیدی و تجاری، تنوع بخشیدن به فعالیتها، کاهش ضایعات، شفافیت هزینه‌ها و قیمت‌های تمام شده و غیره دنبال می‌شود که می‌توان آنها را در چند مقوله کلیتر شامل افزایش کارایی بازار، افزایش بهره‌وری تولید، محدود کردن حجم تصدی و کاهش هزینه‌های دولت خلاصه کرد.

برای تحقق هدفهای یاد شده سه سیاست عمده شامل ۱ - تصحیح ساختار قیمت‌ها، ۲ - آزادسازی مالی و ۳ - خصوصی سازی شرکتهای دولتی مورد استفاده قرار می‌گیرد که در نهایت شرایط مناسب رشد و شکوفایی استعدادها و عقلایی کردن فعالیت‌های اقتصادی را که زمینه‌ساز رفاه و تعالی و عدالت اجتماعی است، فراهم می‌سازد.

برنامه‌های تعدیل ساختاری فارغ از ملاحظات نظری، از یک سو مبتنی بر شرایط

ویژه هر کشور و از سوی دیگر متأثر از شرایط اقتصادی و سیاسی بین‌المللی است. بنابراین، با وجود همانندیهای کلی و ملاحظات نظری، تفاوت‌های چشمگیری بویژه در مراحل، روشها و آهنگ اجرا و همچنین تعیین اولویتهای برنامه تعدیل کشورها مشاهده می‌شود که به‌عنوان الزامات این برنامه باید مورد توجه واقع شود. به این ترتیب برنامه‌های تعدیل می‌باید متناسب با شرایط و مقتضیات ویژه هر کشور تنظیم شود و به اجرا درآید و در مقابل از الگوهای مجرد و انطباق نایافته به‌طور جدی پرهیز شود. این الزام نه تنها در سطح جوامع بلکه بین بخشهای مختلف یک کشور نیز معنی‌دار است. به‌عنوان مثال سیاستها و برنامه‌های تعدیل ساختاری در بخش کشاورزی با بخش خدمات و صنعت تفاوت ماهوی دارد و این تفاوت در روشهای اجرا، رویکردها و توقعات مترتب بر هر بخش دیده می‌شود. براین مبنا در اتخاذ برنامه تعدیل ساختار اقتصاد کلان کشور لازم است از یک سو برنامه هر بخش به‌طور مستقل و از سوی دیگر در ارتباط متقابل با بخشهای دیگر مورد کنکاش و بررسی قرار گیرد. بخش کشاورزی با توجه به ویژگیهای آن دارای پیچیدگی و حساسیت بیشتری است و به همین اعتبار سیاست‌گذاریهای مربوط به آن نیز مستلزم دقت نظر بیشتری خواهد بود.

تنظیم پیش‌نویس برنامه تعدیل اقتصادی در بخش کشاورزی توسط سازمان برنامه و بودجه^۱ در سال گذشته محملی را برای بحث و بررسی این موضوع پدید آورد که هنوز هم جریان دارد. مقاله حاضر که در همین زمینه نگاشته شده است به بررسی جنبه‌هایی از این موضوع می‌پردازد. این مقاله مشتمل بر دو بخش است؛ در بخش نخست برخی مفاهیم مهم تعدیل ساختاری در بخش کشاورزی با استفاده از دیدگاههای نظری و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای بررسی شده است. اما بخش دوم مقاله مبتنی بر دیدگاهها و نظریات تعدادی از دستگاههای اجرایی بخش کشاورزی است که براساس یک نظر سنجی گردآوری، طبقه‌بندی و تحلیل شده است. نتایج این نظر سنجی منعکس‌کننده میزان آمادگی، پذیرش و همچنین درجه اهمیت موارد مطرح شده از دیدگاه دستگاههای اجرایی پاسخگو^۲ است.

بخش اول) بررسی جنبه‌هایی از برنامه تعدیل ساختار کشاورزی

۱) مسایل خرید تضمینی

اغلب کشورها بویژه کشورهای پیشرفته و تولیدکننده عمده محصولات کشاورزی هر کدام به‌نوعی و به درجاتی سیاستهای حمایتی را در بخش کشاورزی به‌اجرا درمی‌آورند. این سیاستها عمدتاً به‌دلیل ماهیت ویژه و حساسیت فوق‌العاده بخش کشاورزی و به‌منظور حفظ موقعیت تولید و تولیدکنندگان، تامین امنیت غذایی و بهبود مبادلات بین‌المللی صورت می‌گیرد. تعیین قیمت محصولات اساسی کشاورزی و تمهید خرید تضمینی توسط دولتها یکی از اساسیترین اجزای سیاستهای حمایتی را تشکیل می‌دهد. خرید محصولات کشاورزی به قیمت بالاتر از نرخ بازار از تولیدکنندگان داخل یکی از مهمترین اقدامات حمایتی کشورهای عضو بازار مشترک اروپاست که هر ساله به‌اجرا درمی‌آید. محصولاتی که به‌این ترتیب خریداری می‌شود با قیمتی به‌مراتب پایینتر از بازار داخلی وارد مبادلات بین‌المللی می‌شود تا حاکمیت اقتصادی و قدرت رقابتی آنها را حفظ کند. به‌علاوه هر ساله اقدامات تکمیلی دیگری به‌منظور حفظ ثبات قیمتها و موازنه بازرگانی بین‌المللی از طرف کشورهای عمده تولیدکننده صورت می‌گیرد که سیاست کشت نکردن برخی زمینها و یا از بین بردن بخشی از مازاد تولید، تنظیم موافقتنامه‌های اقتصادی و پرداخت انواع سوبسیدها در این زمره قرار می‌گیرد. به‌عنوان مثال ایالات متحد آمریکا جهت تشویق تولید و مصون نگه‌داشتن کشاورزان آن کشور از نوسانات قیمت گندم در بازارهای جهانی در زمان برداشت محصول قیمتی را براساس محاسبات خاص برای گندم اعلام می‌کند که اصطلاحاً قیمت هدف (Target price) نامیده می‌شود. همچنین کشاورزان شرکت‌کننده در برنامه‌های زراعی می‌توانند از حداقل قیمت برخوردار شوند. بدین نحو که به‌ازای هر بوشل از محصول خود می‌توانند مبلغی وام (Loan rate یا Loan price) دریافت کنند. اساسیترین سیستم حمایت از تولید در این کشور پرداخت وام پایه و تعیین قیمتهای هدف است. طبیعی است که معمولاً بین نرخ وام پرداختی، قیمت هدف و قیمت بازار داخلی تفاوتهایی وجود دارد که بابت آن بعداً پرداخته‌هایی به کشاورزان صورت می‌گیرد که به پرداختهای ما به التفاوت موسوم است. این پرداختها تنها به تولیدکنندگانی تعلق می‌گیرد که در برنامه رسمی زراعی کشور ثبت‌نام و شرکت کرده باشند. این پرداختها در قالب قانون امنیت غذایی (Food Security act) انجام می‌شود.^۲ در این کشور برنامه‌های حمایتی دیگری نیز به‌اجرا درمی‌آید که از ذکر همه آنها خودداری می‌شود. بازار مشترک اروپا نیز سیاستهای مداخله‌ای متعددی را در بخش کشاورزی اعمال می‌کند و با وجود شکلهای متعدد برنامه‌های حمایت از محصول گندم هنوز سیستم قیمتهای مداخله‌ای (Intervention price) اساسیترین مکانیزم حمایتی از کشاورزان گندمکار را تشکیل می‌دهد. جالب توجه است که در دوره ۱۹۸۷ - ۸۸ حدود ۹۴

درصد خریدها با قیمتهای مداخله‌ای انجام گرفته است. نرخ قیمتهای مداخله‌ای در ارتباط با کیفیت، میزان رطوبت و سایر خصوصیات گندم تغییر می‌کند. علاوه بر آن میزان مداخله با توجه به قیمتهای داخلی تعیین می‌شود. اعمال این سیاستها به حدی است که اغلب موجبات نگرانی سایر کشورهای عمده تولید کننده را فراهم می‌کند تا جایی که وزیر بازرگانی استرالیا از سیاست جامعه اقتصادی اروپا در قبال طرحهای این جامعه مبتنی بر افزایش قیمتهای پرداختی و سوبسید به کشاورزان اروپایی آن‌هم به مقدار حدود ۱۱ درصد، انتقاد کرده و اظهار داشته است که پرداختهای در سطح بالا موجب تشویق تولید کنندگان و در نتیجه افزون شدن مازاد ذخایر خواهد شد که بردیگر صادر کنندگان از قبیل استرالیا اثرات منفی برجای خواهد گذاشت. در همین باره اتحادیه تولید کنندگان گندم در فرانسه (یکی از کشورهای عضو بازار مشترک اروپا) نسبت به افزایش مقدار سوبسید غلات از سوی آمریکا اعتراض کرده و آن را معارض با اصول تجارت عادلانه موافقتنامه تعرفه و تجارت (GATT) دانسته است.^۴ در مقابل دولت آمریکا بحث سوبسید تلافی‌جویانه را مطرح می‌کند؛ زیرا طبق تحقیقات بخش اقتصادی وزارت کشاورزی آمریکا، سوبسید تلافی‌جویانه این کشور در قبال هر یک دلار سوبسید بازار مشترک اروپا، ۱۰ دلار هزینه دربردارد. طبق همین گزارش در اثر عوامل حمایتی صادرات گندم آمریکا افزایش خواهد یافت ولی همراه با آن قیمتها و درآمدهای حاصل از کل صادرات کاهش می‌یابد.

این گونه حمایتها به محصول گندم محدود نمی‌شود بلکه اغلب محصولات کشاورزی و دامی را دربرمی‌گیرد. توانایی و اعتقاد شدید کشورهای عمده تولید کننده محصولات کشاورزی در اجرای سیاستهای حمایتی و پرداخت انواع سوبسیدهای تولید کننده باید به‌عنوان واقعیتی مهم مورد توجه کشورهای در حال توسعه قرار گیرد. این در حالی است که اغلب کشورهای در حال توسعه نسبت به بخش کشاورزی کم توجهند و عملاً حمایت مؤثری از آن نشان نمی‌دهند. این امر باعث شده است که در اثر بالارفتن دستمزدها، پایین بودن سطح تکنولوژی و قیمتهای جهانی محصولات کشاورزی، کشاورزان این مناطق در تولید با مشکلات بسیاری روبه‌رو شوند. به‌علاوه هنوز هم توافقی بین این کشورها در جهت تضمین یک سطح حداقل برای قیمت محصولات کشاورزی و یا درآمدهای ارزی حاصل از صادرات ایجاد نشده است. برای تأکید بیشتر در این زمینه مقایسه جامعه اقتصادی اروپا، آمریکا و کشورهای در حال توسعه می‌تواند تاحدی راهگشا باشد. مثلاً در کشورهای در حال توسعه روند قیمتهای صادراتی مواد اولیه به‌طور مستقیم منعکس کننده تأثیرات متقابل تغییرات عرضه و تقاضا در بازارهای جهانی است. برعکس قیمتهای دریافتی توسط کشاورزان در آمریکا و جامعه اقتصادی اروپا مبتنی بر سیستمهای پیچیده تضمین و حمایت قیمت است که از جانب دولت اعمال می‌شود که فروش مازاد ذخایر به قیمتهای سوبسید شده در بازارهای ثابت را نیز دربرمی‌گیرد.^۵ مجموعه شواهد بالا تأیید کننده لزوم اعمال هرچه بیشتر و دقیقتر سیاستهای حمایتی از بخش کشاورزی است. از آنجا که خرید قرضه‌ای به‌عنوان یکی از اساسیترین اجزای این سیاستها شناخته

شده است و در پیشفرض‌های يك و چهار انجام برنامه تعدیل اقتصادی در بخش کشاورزی نیز بدرستی مورد تاکید قرار گرفته است لذا ضمن تایید کلیات آن یاد آور می‌شود که مکانیزم‌های خرید تضمینی که تاکنون مورد عمل واقع می‌شده است باید بدقت مورد بررسی قرار گیرد و پس از اصلاح نقاط ضعف آن با تمهیدات جدید و عطف توجه به مبادلات و اقدامات بین‌المللی و متناسب با شرایط کلی کشور به اجرا در آید. اما اجرای سیاست‌های حمایتی بویژه خرید تضمینی زمانی می‌تواند توأم با موفقیت باشد که دستگاه‌های ذیربط بتوانند طبق برنامه دقیق و بموقع اقدامات لازم را به عمل آورند. تجهیز و سازماندهی عوامل مورد نیاز نقش مهمی در این زمینه دارد که به برخی از آنها هر چند به اختصار اشاره می‌شود:

نظر به آنکه خرید تضمینی تعهدات زیادی را در زمینه خرید، نگهداری و توزیع محصولات برای دولت ایجاد می‌کند، ضروری است قبل از هر اقدام دیگر امکانات و تدارکات موجود و همچنین توانایی‌های دولت در این باره سنجیده شود. شناسایی امکانات موجود و بهینه‌سازی یا گسترش آن مستلزم بررسی‌های دقیقی است که باید هرچه زودتر اجرا شود تا مبنای يك برنامه‌ریزی جدی در این زمینه قرار گیرد. قدر مسلم در شرایط موجود اجرای برنامه خرید تضمینی مطلوب امری دشوار می‌نماید؛ نبود اطلاعات و آمار دقیق و بهنگام درباره هزینه‌های تولید، قیمت نهاده‌ها، سطوح عرضه و تقاضا، کرایه و امکانات حمل‌ونقل، ذخیره سازی و انبارداری، عوامل توزیع در بازار، مدیریت ز پستل و غیره، از عواملی است که دست کم در شرایط کنونی و حتی در میانمدت مانع اجرای مطلوب و کامل خرید تضمینی محصولات می‌شود. از طرف دیگر باید به اعتبارات گزافی اشاره کرد که معمولاً در اجرای این نوع برنامه‌ها هزینه می‌شود. با علم براینکه تخصیص و مصرف این اعتبارات بویژه برای اجرای یکی از مهمترین اجزای برنامه تعدیل با سخاوتمندی هرچه بیشتر که شایسته آن است انجام می‌گیرد، اما عدم آمادگی‌های لازم برای مصرف مطلوب و هدفمند اعتبارات نه تنها دستیابی به هدف‌های تعدیل اقتصادی را دشوار می‌کند بلکه در صورت ادامه روش‌های غیرعلمی و صحیح احتمال بروز موانع و مشکلات جدیتر و جدیدتر چندان بعید نیست. بدیهی است همان‌طور که در پیش فرض‌های دیگر بویژه پیش فرض‌های ۴ و ۶ و ۹ هم آمده است تغییر تشکیلات و وظایف دستگاه‌های ذیربط در فعالیتهای کشاورزی یکی از اقدامات اساسی و مؤثری است که می‌باید در برنامه تعدیل به اجرا در آید. لزوم ایجاد چنین تغییراتی به‌خودی خود حاکی از ناآمادگی و نامتناسب بودن موقعیت دستگاه‌های اجرایی و تحقیقاتی موجود برای تحقق برنامه تعدیل است و این همه به صرف وقت مقتضی برای مطالعه، برنامه‌ریزی و اجرا به‌منظور دستیابی به ساختار بهینه و همچنین اجرای موفقیت‌آمیز برنامه تعدیل نیاز دارد. مهمترین اقدامات اولیه را در این زمینه می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

— دستگاه‌هایی که تاکنون به‌نحوی در ارتباط با خرید محصولات کشاورزی فعالیت داشته‌اند شناسایی

شوند و مقررات و ضوابط آنها مورد نقد و بررسی نقد قرار گیرد؛

— سازمان‌هایی که در سایر کشورها در همین زمینه فعالیت دارند شناسایی شوند و روش‌های اجرایی و

ضوابط آنها مورد مطالعه قرار گیرد؛

– با توجه به اهمیت برنامه خرید تضمینی و شرایط داخلی، سازماندهی جدیدی برای اجرای این برنامه انجام گیرد. این سازماندهی طبیعتاً با ادغام دستگاههایی که در این زمینه فعالیت دارند همراه خواهد بود. برای این منظور استفاده از تجربیات دستگاههای داخلی ذیربط و همچنین بهره‌گیری از تجربیات و ضوابط سایر کشورها بسیار راهگشا است؛

– دستگاه یا دستگاههای متولی اجرای برنامه خرید تضمینی می‌باید مجهز به مؤسسه تحقیقاتی نیرومندی شود تا بتواند اطلاعات بهنگام را در زمینه قیمت‌ها و نوسانات آنها، ذخیره‌سازی محصولات، بازاریابی، مبادلات بازرگانی، سطوح عرضه و تقاضا، حمل‌ونقل و تعرفه‌های مربوط به آن، موافقتنامه‌های تجاری بین‌المللی و غیره در اختیار قرار دهد؛

– اقدامات لازم برای برنامه‌ریزی و تخصیص اعتبارات کافی در جهت فراهم ساختن امکانات لازم و رفع کمبودهای موجود صورت گیرد.

برای خرید تضمینی در حال حاضر رعایت چند ضابطه ضروری است:

– فقط چند محصول اساسی تحت پوشش قرار گیرد؛

– با توجه به تقویم زراعی مناطق مختلف مدت زمان محدودی برای خرید تضمینی این محصولات در نظر گرفته شود؛

– با توجه به امکانات و شرایط خاص هر منطقه ستف معینی برای خرید هر محصول تعیین شود؛

– در خرید تضمینی کیفیت محصول مورد توجه قرار گیرد و این امر در قیمتگذاری آن در نظر گرفته شود.

۲) تعیین قیمت محصول برای خرید تضمینی

بر اساس پیشفرض شماره ۱ یادشده، قیمت محصول خرید تضمینی تحت تأثیر چهار متغیر عمده زیر قرار دارد:

(الف) قیمت بین‌المللی (ارزاترین قیمت قابل خرید در بازارهای خارجی)؛

(ب) حداقل هزینه حمل‌ونقل تا بندرهای کشور؛

(ج) ۲۰٪ مجموعه تعرفه گمرکی و سود بازرگانی؛

(د) هزینه حمل‌ونقل تا بازار عمده داخلی یعنی تهران.

(الف) عمده‌ترین متغیر این معادله قیمت بین‌المللی یا به عبارت دقیقتر ارزاترین قیمت قابل خرید در بازارهای خارجی است. از آنجا که اعمال مکانیزمهای حمایتی کشورهای عمده تولیدکننده محصولات

کشاورزی در زمینه تعیین قیمت و همچنین شرایط مناسب این کشورها برای تولید انبوه، کیفیت برتر و عملکرد بالاتر موجب حفظ و گسترش سلطه این کشورها در تولید و بازرگانی بین‌المللی شده و کوششهای فزاینده‌ای نیز در جهت تقویت این روند استمرار دارد، بنابراین و با توجه به پایین بودن هزینه‌های تولید و قدرت رقابتی این کشورها پیشنهاد می‌شود به‌جای «ارزانترین قیمت قابل خرید در بازارهای خارجی»، «میانگین قیمت بین‌المللی محصول» مبنای محاسبه واقع شود. بدیهی است در نظر داشتن میانگین هزینه‌های واقعی تولید محصولات در کشورهای مختلف در تعیین قیمت پایه نقش اساسی دارد. این روش در بیشتر کشورهای در حال توسعه متداول است؛ به‌عنوان مثال می‌توان از کشور ترکیه یاد کرد که قیمت گندم خود را برپایه میانگین قیمت‌های جهانی این محصول طی ۵ گذشته و با توجه به کاهش ارزش پول رایج کشور تثبیت می‌کند. مصر، سودان، عراق، پاکستان و... نیز در همین چهارچوب عمل می‌کنند.

ب) هزینه حمل‌ونقل تا بندرهای کشور که به‌عنوان یکی دیگر از متغیرهای معادله تعیین قیمت محصول پیشنهاد شده است، ملاحظات مختلف و مهمی را در بردارد که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در تعیین نرخ حمل‌ونقل اثر می‌گذارد. برای نشان دادن پیچیدگی و اهمیت آن کافی است فقط به عنوانهای برخی از مهمترین عوامل مؤثر اشاره شود: حجم عرضه صادرات و تقاضای وارداتی برای هر کالای خاص، قیمت جهانی کالا، قیمت جهانی نفت، تعداد و ظرفیت کشتیهای بیکار یا آماده برای حمل، ویژگیهای مسیر حمل، سیاستهای رقابتی کشورهای صادرکننده در تعیین نرخ ترجیحی برای حمل، وضع نرخهای ترجیحی، تشویقی یا تحدیدی برای حمل از مناطق خاص، سیاستهای داخلی کشورهای صادرکننده در زمینه حمل‌ونقل و توزیع داخلی محصول جهت کاهش هزینه حمل و در نتیجه تشویق به صادرات از بندرهایی خاص، اعطای نرخهای ترجیحی برای حمل از بندرهایی معین به‌دلیل سیاسی یا فرهنگی و بالاخره عوامل آب و هوایی نظیر یخ بستن رودخانه‌های واسطه‌ای و عوامل فنی نظیر عمق آب بندرها و اسکله‌ها در ارتباط با ظرفیت کشتیهای حمل‌کننده و غیره. اما به‌طور کلی عوامل عمومی تعیین‌کننده نرخهای حمل‌ونقل را می‌توان به‌نوع کالا، حجم کالا، رقابت و موجود بودن همان محموله از منابع دیگر، نرخ حمل محموله از طریق غیردریایی، هزینه عملیات بارگیری، تخلیه و... فاصله مبدأ و مقصد، تسهیلات بندری، مقررات بندری، هزینه‌های بندری، هزینه عبور از کانال، محل و موقعیت بندر، شرایط ویژه، امکان حمل کالا در سفر برگشت، نرخ بارگیری و تخلیه در بندر مبدأ و مقصد و... نسبت داد. بنابراین ضمن تأیید دخالت دادن «هزینه حمل‌ونقل تا بندر کشور» در تعیین قیمت خرید تضمینی محصول عجاتاً پیشنهاد می‌شود به‌جای حداقل هزینه، میانگین هزینه حمل‌ونقل تا بندرهای کشور طی ۳ تا ۵ سال گذشته استفاده شود.

ج) سومین متغیر در معادله تعیین قیمت «۲۰٪ تعرفه گمرکی و سود بازرگانی» نیاز به دقت نظر بیشتر دارد، برقراری تعرفه‌های گمرکی یکی از قدیمیترین سیاستهای مداخله‌ای دولتها در بهبود بازرگانی خارجی و حمایت از تولیدات داخلی است و به‌لحاظ اهمیت آن از طریق پارلمان به‌تصویب می‌رسد. در

طبقه‌بندی کلاسیک دخالت‌های دولت در امور بازرگانی در رده دخالت غیرمستقیم در واردات و صادرات قرار دارد.^۶

برقراری تعرفه گمرکی و تعیین میزان آن را نباید بدون ارتباط با سیاست‌های حمایتی بین‌المللی از تولیدکنندگان و صادرکنندگان محصولات کشاورزی مورد بحث قرارداد. به همان اندازه که کشورهای عمده تولیدکننده محصولات کشاورزی سیاست‌های تشویقی و حمایتی را برای صادرات و حفظ بازارهای جهانی به کار می‌گیرند، کشورهای واردکننده (بویژه کشورهای در حال توسعه) نیز می‌باید هوشیارانه از جدال اقتصادی بین این کشورها یا به عبارتی جنگ سرسیدها بیشترین بهره را ببرند تا بتوانند امتیازات ممکن را به دست آورند. آگاهی از انواع سیاست‌های حمایتی کشورهای صادرکننده عمده بویژه ایالات متحد و بازار مشترک آمادگی بیشتری برای کسب این امتیازات فراهم می‌کند. همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد اعضای سوبسید بازپرداخت‌های صادراتی، برنامه تشویق صادرات، اجرای برنامه اعتبارات مختلط^۷، (Balance Credit) وام‌ها و کمک‌های صادراتی تحت قانون عمومی ۴۸۰^۸ و برنامه تشویقی صادراتی^۹ (Export Enhancement programme EEP) از مهمترین اقداماتی است که در آمریکا انجام می‌شود.

کشورهای بازار مشترک اروپا نیز به‌جای صدور گندم به قیمت‌های جهانی، سیسم پرداخت مبالغ جبرانی (Export Refunds) و وصول عوارض (Export Levy) را به اجرا درمی‌آورند، بدین ترتیب که در مواقعی که قیمت‌های بازار داخلی بالاتر از قیمت‌های جهانی است ما به التفاوت آن به صادرکنندگان پرداخت می‌شود و مواقعی که قیمت‌های جهانی بالاتر از قیمت‌های داخلی بازار مشترک باشد مالیاتی صادراتی از بازرگانان دریافت می‌شود. سایر کشورهای تولیدکننده و صادرکننده عمده محصولات کشاورزی حمایت‌هایی از این نوع را به کار می‌گیرند. بنابراین کشورهای در حال توسعه که اغلب نیاز به واردات محصولات کشاورزی دارند ناگزیرند ضمن جبران کمبودهای داخلی از طریق واردات، سیاست حمایت از تولیدات داخلی را نیز اعمال کنند. هرچند دستیابی به درجاتی از خودکفایی در محصولات اساسی کشاورزی این کشورها، در گرو حمایت‌های به مراتب بیشتری است، با این حال این حمایت‌ها نباید به صورتی اعمال شود که تولیدکنندگان کشاورزی را به دور از مکانیزم‌های بازار قرار دهد و به این وسیله مانع توسعه و پیشرفت آنها شود. این مسئله‌ای است که باید در اجرای برنامه تعدیل ساختاری در بخش کشاورزی مورد توجه قرار گیرد. هرچند خرید تضمینی و تعیین قیمت محصولات اساسی به‌عنوان یکی از مکانیزم‌های حمایتی (پیش‌فرض‌های ۱ و ۴) از یک طرف و آزادسازی واردات و صادرات محصولات کشاورزی (پیش‌فرض ۳) از طرف دیگر از اجزای تعدیل اقتصادی به‌شمار می‌آیند، لیکن چنانچه بدون دقت نظر کافی و بی‌ارتباط باهم مورد عمل قرار گیرند زیانهای جبران‌ناپذیری متوجه بخش خواهد کرد. بدیهی است آزادسازی صادرات و واردات محصولات به‌منظور پیوند دادن هرچه بیشتر تولیدکنندگان با مکانیزم‌های بازار و ورود

آنها به عرصه رقابت صورت می‌گیرد اما برای موفقیت در این امر می‌بایست حداقل در يك دوره انتقالی، سیاست‌های حمایتی و کنترل‌های لازم به کار رود. آزادسازی بی‌قید و شرط صادرات و واردات برای بخش کشاورزی کشورهای در حال توسعه به مثابه ورود به بازی مخاطره‌آمیزی است که امکان پیروزی در آن ضعیف است. لذا یکی از مکانیزم‌های کنترل‌پذیر که معمولاً نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد برقراری تعرفه‌های گمرکی مؤثر است. میزان این تعرفه‌ها با توجه به نوع محصولات، شرایط داخلی و بین‌المللی و سالهای مختلف می‌تواند متفاوت باشد. با این حال برقراری حداقل 20٪ تعرفه گمرکی و سود بازرگانی برای دوره انتقالی مناسب به‌نظر می‌رسد. این رقم حداقل می‌تواند متناسب با شرایط و موقعیتها افزایش یابد. یادآوری می‌شود که در پایان پیش‌فرض يك پیرامون کاهش تدریجی نرخ تعرفه و سود بازرگانی اشاراتی شده که آن را مشروط به حذف سوسید تولید در کشورهای فروشنده و افزایش تولید داخلی دانسته است. طبیعی است که در صورت تحقق دو شرط یاد شده لزوم اعمال چنین مکانیزم‌هایی نیز خود به خود منتفی و رقابت سالم و موثر حاکم خواهد شد.

د - هزینه حمل و نقل تا بازار عمده داخلی یعنی تهران

یکی دیگر از عوامل تعیین‌کننده قیمت محصول، هزینه‌های مربوط به حمل و نقل داخلی است، هزینه‌های حمل و نقل به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم روی قیمت محصول اثر می‌گذارد. چنانچه يك سیستم حمل و نقل صحیح که مستلزم شبکه‌های ارتباطی مدرن اعم از جاده‌ای، راه‌آهن، آبی و هوایی است با نظامی کارآمد مورد استفاده قرار گیرد صرفه‌جویی چشمگیری در فعالیتهای توزیعی ایجاد خواهد شد. بیشتر کشورهای پیشرفته از ناوگان حمل و نقل بسیار مجهز برخوردارند. شرکتهای حمل و نقل در این کشورها در چارچوب بازار رقابتی جدی فعالیت می‌کنند و رقابت آنها بویژه برای بخش کشاورزی بسیار سودمند است. کاهش کرایه حمل و نقل، مجهز شدن به وسایل حمل و نقل مدرن و سرعت بخشیدن به ارسال محموله‌ها بخشی از آثار مستقیمی است که در اثر این رقابتهای موجود می‌آید. اثرات غیرمستقیم آن را می‌توان به کاهش ضایعات ناشی از حمل محصول، از بین بردن یا کمینه کردن دموراژ، جلوگیری از فاسد شدن محصول و غیره نسبت داد. کشورهای در حال توسعه عموماً از نظر تخلیه، ذخیره‌سازی، نگهداری، توزیع و بازررسانی محصول در وضع بسیار بدی به‌سرمی‌برند و به همین خاطر هر ساله زیانهای چشمگیری به آنها تحمیل می‌شود. علاوه بر کمبودهایی که از نظر شبکه‌های ارتباطی، کامیون، قطار و لوازم یدکی وجود دارد، فاصله زیاد و پراکندگی نقاط جمعیتی و همچنین صعب‌العبور بودن بسیار از مناطق، مشکلات بیشتری را در این زمینه ایجاد کرده است. بهبود بخشیدن به این وضعیت مستلزم اطلاعات و آمار دقیق، برنامه‌ریزی صحیح و تخصیص اعتبارات کافی است.

سیستم حمل و نقل کشور بویژه برای محصولات کشاورزی بسیار نامناسب است. مناطق روستایی کشور

که محل اصلی فعالیتهای کشاورزی است فاقد شبکه راههای اصولی و وسایل نقلیه مناسب است. بیشتر نقاطی که پتانسیلهای لازم را به لحاظ اقلیمی و آب و خاک برای تولید محصولات پر درآمد دارند به علت نبود تسهیلات لازم حمل و نقل نمی‌توانند از آن استفاده مطلوب به عمل آورند. تولیدکنندگان محصولات کشاورزی هر ساله هنگام برداشت، با مشکل جدی حمل و بازاریابی مواجه می‌شوند. پرداخت کرایه‌های گزاف در این گونه مواقع و یا تحمل ضایعات در خور توجه محصولات برداشت شده از جمله مواردی است که هر ساله بارها اتفاق می‌افتد. زیانهایی که از این طریق متوجه تولیدکنندگان کشاورزی می‌شود موجب کاهش توان رقابتی محصولات آنان شده است. به این ترتیب چون سیستم حمل و نقل داخلی و هزینه‌های مربوط به آن عامل بسیار مهمی در اجرای سیاستهای حمایتی بویژه در تعیین قیمت محصول تضمینی به شمار می‌رود؛ شایسته است هر چه بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

۲) نرخ ارز

دلار با آنکه یکی از عمده‌ترین ارزهای بین‌المللی است و اغلب کشورها مبادلات و نرخ پول رایج خود را بر مبنای آن تنظیم می‌کنند، لیکن از اواسط دهه ۱۹۷۰ تحت تاثیر نوسانات شدید قرار گرفته و از اهمیت آن کاسته شده است. این نوسانات علاوه بر دلار در مورد سایر ارزهای عمده از قبیل پوند استرلینگ و فرانک فرانسه نیز رخ داده است. به این منظور اکثر کشورهای در حال توسعه تغییراتی در سیستم نرخ ارز خود ایجاد کرده‌اند. این کشورها به مرور سیستم نرخ ارز را از تثبیت به یک ارز واحد (Pegged to a single Currency) به سوی تثبیت به سبدی از ارزها (Pegged to basket of Currency) و یا برگزیدن روشهایی انعطاف‌پذیرتر، که بر اساس آن ارزش پول ملی پی‌درپی تعدیل می‌گردد سوق داده‌اند. جالب توجه است که در خلال سالهای ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۹ نسبت کشورهای در حال توسعه که پول خود را تنها به یک ارز تثبیت کرده‌اند از ۶۲ درصد به ۲۸ درصد رسیده و در این میان نسبت کشورهایی که پول خود را بر مبنای دلار آمریکا محاسبه و تثبیت می‌کردند نیز از ۴۲ درصد به ۲۴ درصد کاهش یافته است. بتدریج که سیستم تثبیت بر مبنای یک ارز عمده کارایی خود را از دست داده است ترتیبات دیگری برای محاسبه ارزش پول ملی کشورها به کار رفته است که به موجب آن به جای یک ارز عمده سبدی از ارزها مبنای محاسبه قرار گرفته است. در این زمینه باید اشاره کرد که در سال ۱۹۶۹ صندوق بین‌المللی پول با پشتوانه و موافقت تعدادی از کشورها موفق به ایجاد یک واحد پول بین‌المللی تحت عنوان حق برداشت و... (Special Drawing Right - SDR) گردید که در ابتدا ۱۶ ارز را در برمی‌گرفت. بعدها تعداد این ارزها به دلار آمریکا (۴۰٪)، مارک آلمان غربی (۲۱٪)، ین ژاپن (۱۷٪)، لیره انگلیس (۱۱٪) و فرانک فرانسه (۱۱٪) محدود شد. نسبت کشورهایی که با این روش عمل می‌کردند از حدود ۱۰ درصد در سال ۱۹۷۶ به حدود ۵ درصد در اواخر دهه ۱۹۸۰ کاهش یافت. در مقابل نسبت کشورهایی که پول خود را به سبد

موزونی از ارزهای دیگر متصل کرده‌اند سرعت افزایش یافته و از ۱۲ درصد در سال ۱۹۷۶ به ۲۲ درصد در سال ۱۹۸۹ رسیده است.^{۱۱} اقدام روزافزون کشورهای در حال توسعه دائر بر تغییر سیستم نرخ ارز خود از تثبیت به یک ارز واحد، به سببی متشکل از مجموعه‌هایی از ارزها تا حدودی معلول تمایل آنها مبنی بر کمینه کردن اثرات منفی ناشی از نوسانات نرخ ارزهای عمده بر اقتصاد آنهاست. بنابراین محاسبه نرخ محصولات کشاورزی خارجی و نهاده‌های وارداتی صرفاً بر اساس دلار چندان معقول نبوده است و به جای آن می‌توان سببی از ارزهای مختلف را مبنا قرارداد. همان‌طور که در پیش‌فرض ۲ اشاره شده است نرخ موزون این سبد نیز می‌تواند از طریق میانگین سه ماهه گذشته تعیین گردد. پیشنهاد دیگر در این پیش‌فرض جایگزین کردن مفهوم «کف یا پایه» به جای «سقف» است. به این ترتیب آخرین جمله پیش‌فرض دو به این صورت اصلاح خواهد شد؛ «این نرخ‌ها مبنای محاسبات تعیین قیمت پایه (کف) برای خرید محصولات تضمینی داخلی قرار خواهد گرفت».

خارجی و نهاده‌های وارداتی صرفاً بر اساس دلار چندان معقول نبوده است و به جای آن می‌توان سببی از ارزهای مختلف را مبنا قرارداد همان‌طور که در پیش‌فرض ۲ اشاره شده است نرخ موزون این سبد نیز می‌تواند از طریق میانگین سه ماهه گذشته تعیین گردد. پیشنهاد دیگر در این پیش‌فرض جایگزین کردن مفهوم «کف یا پایه» به جای «سقف» است. به این ترتیب آخرین جمله پیش‌فرض دو به این صورت اصلاح خواهد شد؛ «این نرخ‌ها مبنای محاسبات تعیین قیمت پایه (کف) برای خرید محصولات تضمینی داخلی قرار خواهد گرفت».

۴) واردات و صادرات

تجارت بین‌المللی محصولات کشاورزی پیچیدگی خاصی دارد. آنچه در تئوریهای اقتصادی تحت‌عنوان رقابت مورد بحث قرار می‌گیرد در شرایط سلطه کشورهای بزرگ و بویژه در زمینه مبادلات مواد غذایی کمترین کاربرد را دارد. امروزه کشورهای عمده تولید کننده و صادر کننده محصولات کشاورزی از حداکثر امکانات خود برای حفظ سلطه اقتصادی سیاسی استفاده می‌کنند و در این راه کوچکترین اغمازی را برای نشو و نمای کشورهای در حال توسعه روانمی‌دارند. روشهای مختلفی که در این زمینه مورد استفاده کشورهای پیشرفته قرار می‌گیرد در صفحات قبل به تفصیل مورد بحث قرار گرفت. سهم درخور ملاحظه‌ای که این کشورها در تجارت محصولات اساسی کشاورزی دارند در مکانیزم بازار بسیار تعیین کننده است. به‌عنوان مثال صادرات جهانی گندم طی سالهای ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۸ به ترتیب اهمیت در دست ۵ صادر کننده عمده یعنی آمریکا، کانادا، بازار مشترک، استرالیا و آرژانتین بوده است که بین ۹۰ تا ۹۵ درصد صادرات جهانی گندم را در اختیار داشته‌اند. این صادر کنندگان با آنکه رقبای سرسخت صادرات گندم در عرصه جهانی هستند، اما برای جلوگیری از نفوذ رقبای جدید به‌طور هماهنگ عمل کرده و از هیچ کوششی

فروگذار نمی‌کنند. با ذکر این مقدمه یادآوری می‌شود که در واردات محصولات کشاورزی همواره باید حمایت از محصولات داخلی در مقابل واردات در درجه اول اهمیت قرار گیرد. بخشی از تمهیدات لازم با برقراری تعرفه‌ها دستیافتنی است. برقراری تعرفه‌ها با آنکه از کارایی بالایی برخوردار است لیکن به تنهایی به هیچ‌وجه کافی نیست. برای قوت بخشیدن به این مکانیزم لازم است اقدامات زیربنایی از قبیل احداث شبکه‌های راه، آبیاری، زهکشی، تأمین وسایل حمل‌ونقل، تجهیز و نوسازی اراضی کشاورزی، توسعه آموزش فنی و حرفه‌ای، احداث سردخانه‌ها، سیلوها و همچنین احداث صنایع تبدیلی محصولات کشاورزی صورت گیرد. اقداماتی از این نوع پیش‌نیاز و لازمه توسعه کشاورزی است. در پرتو چنین شرایطی نه تنها ضربه‌پذیری محصولات داخلی کاهش می‌یابد بلکه امکان صادرات محصولات نیز فراهم می‌شود. نکته مورد توجه آنکه در حال حاضر زمینه صادرات برخی محصولات داخلی فراهم است. با وجود ریسکهای زیادی که در صادرات این نوع محصولات (بوئژه صیفی) وجود دارد اغلب درآمدهای ارزی چشمگیری برای صادرکنندگان فراهم می‌آورد. از آنجا که تقاضای بازار داخلی برای این گونه محصولات زیاد است قیمت‌های داخلی بشدت بالا رفته و با کمبود عرضه مواجه شده‌اند. پیشنهاد مشخص آن است که حجم صادرات محصولات کشاورزی متناسب با مازاد مصرف داخلی تعیین شود تا کمبودهایی که در اثر نبود هرگونه کنترل و محدودیتی به وجود می‌آید مرتفع گردد. بدیهی است اعمال کنترل‌های مربوط به کیفیت و مسایل قرنطینه‌ای همواره لازم الاجراء خواهد بود.

۵) کاهش دخالت دولت و توسعه روند خصوصی سازی

یکی از جنبه‌های اساسی تعدیل اقتصادی به حداقل رساندن دخالت‌های دولت بوئژه در فعالیتهای تولیدی و بازرگانی است. در شرایط طبیعی جای خالی دولت را بخش خصوصی جبران می‌کند. فرض بر این است که دولت‌ها فاقد کارایی لازم در مدیریت اقتصادی هستند و در اثر همین سوءمدیریت‌ها توسعه اقتصادی کشورهای سوسیالیستی و جهان سوم به تاخیر افتاده است. در این زمینه لازم است سئوالی پاسخ داده شود و آن اینکه آیا همه دولت‌ها در همه حال و در هر شرایطی سوءمدیریت دارند؟ یا به عبارت دیگر بخش خصوصی به خودی خود و در هر شرایطی مدیر و مدبر است و توسعه اقتصادی را به مفهوم جامع آن سبب می‌شود؟ برای پاسخگویی به این سئوال لازم است شرایطی را تصویر کنیم که به موجب آن دولت‌ها اغلب ناگزیر می‌شوند در سیاست‌های اقتصادی شدیداً دخالت کنند و حوزه دخالت را تا فعالیتهای تولیدی و توزیعی و بازرگانی گسترش دهند. در طول تاریخ اقتصادی کشورها اتفاقاتی که در شرایط انقلاب، بروز جنگ، محاصره و تحریم اقتصادی و جز آن رخ می‌دهد ضرورت دخالت دولت‌ها را هرچند برای مدتی محدود به وجود می‌آورد. این گونه اتفاقات اغلب به لحاظ ناامنیهایی که در جامعه ایجاد می‌کند زمینه فعالیت بخش خصوصی را کاهش داده و لاجرم دخالت دولت‌ها را به‌دنبال داشته است. شرایطی که به این ترتیب

برقرار می‌شود تحت تاثیر عوامل پیچیده‌ای تثبیت می‌شود و استمرار می‌یابد که پیشینی طول مدت و میزان دخالت دولتها در ابتدای امر و با دقت لازم امکانپذیر نیست. با آنکه نقش دولتهای سلطه‌گر در ایجاد بی‌تعادلیهای اقتصادی سیاسی در کشورهای در حال توسعه بارها به اثبات رسیده است، در این زمینه یادآور می‌شود که سرمایه‌داری خصوصی نوپا در کشورهای در حال توسعه برای بقا و تقویت خود بشدت نیازمند حمایت دولتهای متبوع است. از این روی به هر عنتی که مورد تهاجم و یا امنی قرار گیرند امکان فعالیت داخلی به شکل طبیعی از آنها سلب می‌شود و ناگزیر به یکی از چند شیوه متداول و یا اختلاطی از آنها متوسل می‌شوند؛ اقدام به مهاجرت، خارج کردن ثروت و سرمایه از کشور، تغییر فعالیت از بخش تولیدی به غیرتولیدی، انفعال اقتصادی و غیره از جمله شیوه‌های متداول آنهاست. در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی اقداماتی از این نوع شروع شد و با درگیر شدن کشور در جنگ تحمیلی به اوج خود رسید. اما کمبودهایی که عمدتاً در اثر جنگ و تحریمهای اقتصادی به وجود آمد زمینه‌های دیگری را برای دخالت دولت در امور اقتصادی فراهم ساخت. به هر حال مدیریت جامعه توسط دولتها در شرایط ثبات اقتصادی تفاوت فاحشی با دوره جنگ و بی‌ثباتی دارد. بدیهی است در شرایط جنگ بیش از هر چیز حفظ تمامیت ارضی کشور و وحدت ملی اهمیت دارد بنابراین حسابگریهای اقتصادی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. در طول جنگ تحمیلی به تجربه ثابت شد که دخالت دولت تا چه اندازه مؤثر و مفید بوده است. مسلماً کمبودهای زیادی وجود داشت، اما مکانیزمهای موثری به کار گرفته شد تا حداقلی از نیازمندیها در اختیار همگان و بویژه خانواده‌های کم‌درآمد قرار گیرد. پدیده فساد که از مشخصه‌های بارز جوامع در حال گذار است در چنین شرایطی تشدید می‌شود اما باید دید در فقدان دخالت مؤثر دولتها تا چه اندازه کاهش یا افزایش می‌یابد. مسلماً هیچ‌گونه تضمینی وجود ندارد که در فقدان دخالت مؤثر دولت میزان فساد از آنچه هست بیشتر نشود. اکنون که بیش از ۱۵ سال از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گذرد و تلخیهای جنگ تحمیلی نیز جای خود را به تحقق آرمانها می‌دهد بارقه امید برای از سرگیری فعالیت بخش خصوصی به چشم می‌خورد. در واقع موقعیت بسیار حساس و تعیین‌کننده‌ای در پیش‌روی قرار دارد و چرخشی در تحولات سیاسی اقتصادی جامعه شروع شده است. در این موقعیت لازم است تشویق و استقبال از مشارکت و فعالیت بخش خصوصی سرلوحه سیاست اقتصادی کشور قرار گیرد. بدون تردید راه دشواری در پیش است زیرا بخش خصوصی تا به‌طور عینی احساس امنیت سرمایه‌گذاری و فعالیت نکند مشارکت جدی به‌عمل نمی‌آورد و این حداقل شرایطی است که می‌باید توسط دولت فراهم شود. اقدامات زیربنایی دیگر نیز در حوزه وظایف اساسی دولت است که در صفحات قبل بارها به آنها اشاره شده است. اما نکته دیگری نیز یادآوری می‌شود؛ به همان اندازه که انحصارگرایی دولت در اقتصاد کشور ممکن است اختلال ایجاد کند، انحصار بخش خصوصی نیز مخاطره‌آمیز است. در واقع با توجه به شرایط اقتصادی اجتماعی و سیاسی هر کشور میزانی از دخالت دولت و بخش خصوصی در کنار هم لازم است. برآیند این دو را شرایط کلی تعیین می‌کند و به

هیچ وجه برای همه کشورهای یکسان نیست. با این حال برای اجرای برنامه تعدیل اقتصادی، مسئله زمان (دوره گذار) اهمیت زیادی دارد. انتقال وظایف دولت به بخش خصوصی باید به صورت تدریجی و در ابتدای امر فقط در زمینه‌های خاص صورت پذیرد. تعمیم دادن این انتقال به همه زمینه‌ها و تمجیل در اجرای آن به مصلحت نظام اقتصادی و اجتماعی نیست. بنابراین مستلزم بررسی‌های علمی و گزینش‌های دقیق است. و لاجرم آنکه در انتخاب بین فعالیت دولت و بخش خصوصی نباید شیوه آرمانی پیشه کرد و یا نهایتاً را در نظر داشت بلکه لازم است بر آیندی از هر دو نوع فعالیت در نظر گرفته شود. به قول جان مینارد کینز اقتصاددان انگلیسی مکانیزم و عمل خود کار بازار و دست نامرئی که اقتصاددانان کلاسیک و نئوکلاسیک از آن صحبت می‌کردند به تنهایی کافی نیست زیرا فقط با دخالت دولت، اقتصاد به سوی تعادل و اشتغال کامل هدایت می‌شود. بنابراین باید اقتصاد مختلطی را پی‌ریزی کرد که در آن بخش دولتی و بانکی برای تعادل اشتغال کامل به بخش خصوصی کمک کنند و یا آن را با سیاست‌های گوناگون به سمت تعادل اشتغال کامل به پیش رانند. هم‌اکنون مقدمات انتقال برخی فعالیتها از بخش دولتی به خصوصی در حال انجام است. مطالعات اولیه در این زمینه انواع فعالیت وزارت متبوع را به سه دسته عمده: ۱- قابل واگذاری به بخش غیردولتی، ۲- قابل انجام در بخش دولتی و غیردولتی و ۳- غیر قابل واگذاری به بخش غیردولتی تقسیم‌بندی کرده است. نتایج اولیه نشان می‌دهد که از ۱۰۴ فعالیت اصلی در وزارت کشاورزی ۵۸ فعالیت غیر قابل واگذاری به بخش غیردولتی است. تعداد فعالیت‌های قابل واگذاری به بخش غیردولتی ۴۹ مورد و بقیه ۷ مورد قابل اجرا در هر دو بخش تشخیص داده شده است. نسبت آنها به ترتیب ۵۵/۸، ۲۷/۵ و ۱۷/۷ درصد است. اکثر فعالیت‌های ستادی در زمره فعالیت‌های غیر قابل واگذاری به بخش غیردولتی قلمداد شده است.

۶) مالکیت اراضی کشاورزی

تعیین تکلیف مالکیت اراضی کشاورزی به عنوان موضوع پیش فرض ۷ یاد شده مطرح شده است. یکی از اقدامات اساسی در این زمینه اجرای طرح نقشه‌برداری دقیق از اراضی و تهیه نقشه‌های «کاداستر» است. ارائه اسناد مالکیت مفروز به کشاورزان و صاحبان اراضی اقدام دیگری است که باید با استفاده از اقدام پیشگفته صورت گیرد. آزادسازی معاملات اراضی کشاورزی هر چند می‌تواند اثرات مفیدی در توسعه کشاورزی داشته باشد لیکن انجام بی‌قید و شرط و به دور از کنترل‌های لازم این گونه معاملات اغلب موجب افزایش بی‌رویه قیمت اراضی، استفاده از آنها در امور غیر کشاورزی و ایجاد مایل زیستمحیطی می‌شود. طی چند سال اخیر اقداماتی در زمینه تعیین تکلیف اراضی کشاورزی صورت گرفته که برخی از آنها در چارچوب لایحه، تقدیم مجلس شورای اسلامی شده است. هر چند دستگاه‌های متعددی در زمینه اراضی کشاورزی و مالکیت آنها وظایفی را بر عهده دارند، لیکن تشکیل سازمان جدید و کارآمدی که بتواند کلیه

مسائل حقوقی اراضی کشاورزی را انجام دهد ضرورت تام دارد. در اینجا به این نکته باید توجه شود که آزادسازی معاملات اراضی کشاورزی الزاماً با اقتصادی شدن اندازه مزارع همراه نیست زیرا این امر تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد که آزاد شدن قیمت زمین تنها یکی از آنها را تشکیل می‌دهد. با این حال تدوین قوانین و مقررات مناسب و روشن برای اراضی کشاورزی ضرورت جدی دارد.

۷) یکپارچه سازی اراضی

پیشفرض شماره ۸ اساساً خودداری از هرگونه فشار و هرگونه استفاده از انگیزه‌های مالی (تخصیص اعتبار و نهاده‌ها) به منظور یکپارچه کردن اراضی کشاورزی و تشکیل شرکتهای تعاونی تاکید دارد. بعلاوه تشکیل شرکتهای سهامی زراعی را با استفاده از هزینه‌های دولت منع کرده است. در اینجا چند مفهوم به کار گرفته شده که نیاز به بحث بیشتر دارد؛ قبل از هر چیز به یکپارچه کردن اراضی باید توجه داشت. نگاهی به تاریخچه نظام مالکیت ارضی و نسق بندی بهره‌برداری‌ها و همچنین تحولات ارضی پس از اجرای اصلاحات ارضی دهه ۱۳۴۰ بیانگر نحوه شکل‌گیری نظامهای بهره‌برداری، توزیع اراضی و آرایش پراکنده قطعات تحت بهره‌برداری زارعان در سطح کشور است. جدا از عوامل و دلایلی که در ایجاد پراکندگی قطعات اراضی بهره‌برداران کشور دخیل است (که خود موضوع بحث و بررسی جالبی است) همین قدر یاد آور می‌شود که پدیده پراکندگی اراضی یکی از مهمترین مسایل توسعه کشاورزی است که هم‌اکنون به‌عنوان پدیده‌ای عام در اکثر روستاهای کشور وجود دارد. این پدیده اغلب به اندازه‌ای حاد شده که مشکلات و اختلالات شدید را در بهره‌برداری از عوامل تولید و اعمال مدیریت صحیح به‌وجود آورده است. مطالعاتی که تاکنون در زمینه عوارض ناشی از پراکنده بودن قطعات ارضی صورت گرفته بیانگر زیانهایی است که در اثر هدر رفتن آب، زمین، اتلاف نیروی کار، دشواری استفاده از ماشین و در نتیجه اتلاف کار ماشین‌آلات، مصرف بیش از حد نیاز نهاده‌هایی چون کود و بذر، جلوگیری از سرمایه‌گذاری به‌منظور احداث شبکه‌های راه‌آب و زهکشی و ایجاد اختلافات و درگیریهای متعدد بین زارعان به‌علت تعدد مرزهای مشترک و غیره متوجه زارعان شده است. این عوارض بعلاوه سایر عوارضی که به‌لحاظ اختصار کلام در اینجا از ذکر آنها خودداری شده باعث افزایش هزینه‌های تولید، کاهش درآمد کشاورزان و نهایتاً توسعه نیافتگی کشاورزی شده است. وسعت این پدیده به‌حدی است که بدون گزینش یک برنامه جامع و سریع حل‌شدنی نیست. در این زمینه نقش دولت به‌منظور فراهم سازی زیر ساخت‌ها، وضع قوانین و اعمال سیاستهای ارشادی بسیار بااهمیت است. بدیهی است یکپارچه سازی اراضی و یا به‌عبارتی حل مشکل پراکندگی قطعات می‌تواند در سطوح مختلف به‌اجرا درآید. یکجا کردن قطعات پراکنده تحت بهره‌برداری هر کشاورز اساسیترین و عاجلترین اقدامی است که در این زمینه باید صورت گیرد و در این مرحله نقش دولت بسیار حساس و تعیین‌کننده است. اجرای یکپارچه سازی در این سطح زمینه‌های توسعه کشاورزی را فراهم

خواهد کرد و در صورت لزوم کشاورزان را برای ایجاد واحدهای تولیدی بزرگتر آماده می‌سازد. اما شواهد موجود و مکانیزمهای مورد عمل توسط دستگاههای ذیربط جملگی نشانگر عدم اعمال هرگونه اجبار در تأسیس شرکتهای تعاونی تولید و سهامی زراعی است. تعداد تقاضاهایی که طی چند سال اخیر از طرف زارعان برای تشکیل شرکتهای تعاونی تولید به این دستگاهها ارسال شده است تأیید دیگری در این زمینه است.

۸) وظایف جدید در اجرای تعدیل

مطالب مطرح شده در کلیه پیشفرضها بویژه پیشفرض ۹ حوزه وظایف دولت (وزارت کشاورزی و جهادسازندگی) را در ارتباط با بخش کشاورزی برای شرایط تعدیل اقتصادی مشخص کرده است. کلیدیترین وظایفی که در اجرای تعدیل مطرح شده، «ایجاد زمینه افزایش تولید محصولات کشاورزی و دامی و افزایش بهره‌وری از نهادههای تولید، تشویق سرمایه‌گذاری، تحقیق در مورد بهبود روشهای تولید، توسعه و ترویج تکنولوژی مناسب و مبارزه با آفات» است. سیاستها و روشهایی که برای تحقق برنامه تعدیل و حسن اجرای وظایف فوق در پیش گرفته می‌شود خواه و ناخواه با ادامه دخالتهای حمایتی دولت (اعم از مالی و غیرمالی) همراه خواهد بود و این نوع دخالتها بویژه در دوره گذار و برای انتقال از وضع موجود به شکوفایی اقتصادی الزامی است. همان‌طور که در مباحث قبل بارها اشاره شد انجام امور زیربنایی برای تحقق برنامه تعدیل یکی از پیش شرطهای اساسی است که در انطباق با شرح وظایف جدید قرار دارد (ایجاد زمینه افزایش تولید محصولات کشاورزی... موضوع پیشفرض ۹). در خاتمه و در ارتباط با این پیشفرض ضرورت اضافه کردن یک پیشفرض اساسی دیگر به مجموعه پیشفرضها تأکید می‌شود. به موجب این پیشفرض (و برای وزارت کشاورزی به‌عنوان اولین پیشفرض) از این پس وظیفه اصلی وزارت متبوع صرفاً در چهارچوب افزایش و تأمین محصولات کشاورزی محدود می‌شود.

بخش دوم - اظهار نظر دستگاههای اجرایی پیرامون پیشفرضهای برنامه تعدیل کشاورزی

در این بخش براساس نتایج اظهار نظرهای دستگاههای مختلف ستادی (۱۳ مورد) و استانی (۱۹ مورد) در مورد پیشفرضهای برنامه تعدیل جدول توزیع فراوانی اظهار نظرها با استفاده از روش تحلیل محتوی (Content analysis method) ارائه می‌شود. به‌منظور سنجیت بخشیدن به انواع اظهار نظرها و با توجه به دیدگاههای حاکم بر آنها مجموعاً ۵ طبقه عمده در نظر گرفته شده که تحت عنوان ۱ - تأیید پیشفرض ۲ - تأیید مشروط پیشفرض ۳ - رد پیشفرض ۴ - عدم پاسخگویی و ۵ - سوءتعبیر در مورد پیشفرض نامگذاری شده‌اند. بنابراین ردیف‌های جدول به انواع پاسخها و ستونهای جدول به «کد» پیشفرضها اختصاص یافته است.

توزیع فراوانی انواع اظهارنظرهای ۳۲ دستگاه ستادی وزارت کشاورزی و ادارات کل کشاورزی
استانها به تفکیک ۹ پیشفرض برنامه تعدیل در بخش کشاورزی

(الف) دستگاههای ستادی (۱۳ مورد)									
شرح	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
تأیید پیشفرض	۳۰/۷۷	-	۷/۷۰	۳۰/۷۷	۲۳/۰۰	۲۳/۰۷	۲۳/۰۷	۲۳/۰۷	۴۶/۱۵
تأیید پیشفرض بطور مشروط	۱۵/۳۸	۷/۷۰	۱۵/۳۸	۱۵/۳۸	۲۳/۰۰	۳۰/۷۷	۱۵/۳۸	۷/۷۰	۷/۷۰
رد پیشفرض	۱۵/۳۸	۳۰/۷۷	۳۸/۴۶	۷/۷۰	۲۳/۰۰	۳۰/۸	۱۵/۳۸	۷/۷۰	۷/۷۰
عدم اظهار نظر در مورد پیشفرض	۳۸/۴۶	۶۱/۵۲	۳۸/۴۶	۴۶/۱۵	۳۰/۷۷	۱۵/۳۸	۴۶/۱۵	۳۸/۴۶	۳۸/۴۶
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
سوء تعبیر نسبت به مفاد پیشفرض	۱۵/۳۸	۱۵/۳۸	۷/۷۰	۷/۷۰	۷/۰۷	۲۳/۰۷	۱۵/۳۸	-	-

توزیع فراوانی انواع اظهارنظرهای ۳۲ دستگاه ستادی وزارت کشاورزی

(ب) ادارات کل کشاورزی استانها (۱۹ مورد)									
شرح	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
تأیید بیش فرض	۶۳/۱۶	۳۶/۸۰	۴۲/۱۰	۳۶/۸۴	۳۶/۸۴	۳۶/۸۴	۵۲/۶۳	۵۷/۹۰	۳۱/۵۸
تأیید پیشفرض بطور مشروط	۵/۲۶	۱۵/۷۹	۱۵/۷۹	۲۱/۰۰	-	-	۵/۲۶	-	-
رد پیشفرض	۱۵/۷۹	۵/۲۶	۱۰/۵۲	۱۰/۵۲	۱۰/۵۲	۱۰/۵۲	۱۰/۵۲	۱۵/۷۸	۲۶/۳۰
عدم اظهار نظر در مورد پیشفرض	۱۵/۷۹	۴۲/۱۰	۳۱/۵۸	۳۱/۵۸	۵۲/۶۴	۳۶/۸۴	۲۱/۰۰	۴۲/۱۰	۴۱/۸۴
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
سوء تعبیر نسبت به مفاد پیشفرض	-	-	-	-	-	۲۱/۰۰	-	-	-

توزیع فراوانی انواع اظهارنظرهای ۳۲ دستگاه ستادی وزارت کشاورزی

(ج) جمع (۳۲ مورد)									
شرح	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
تأیید بیش فرض	۵۰/۰۰	۲۱/۸۷	۲۸/۱۲	۳۴/۲۷	۳۱/۲۵	۴۰/۰۰	۴۲/۷۵	۳۷/۵۰	۵۶/۳۵
تأیید پیشفرض بطور مشروط	۹/۳۷	۱۲/۵۰	۱۵/۶۲	۱۸/۷۵	۹/۳۷	۱۲/۵۰	۹/۳۷	۳/۱۲	۳/۱۲
رد پیشفرض	۱۵/۶۲	۱۵/۶۲	۲۱/۹۰	۹/۳۷	۱۵/۶۲	۱۸/۷۵	۱۵/۶۲	۱۸/۷۵	۲/۱۲
عدم اظهار نظر در مورد پیشفرض	۲۵/۰۰	۵۰/۰۰	۳۲/۳۷	۳۷/۵۰	۴۳/۷۵	۲۸/۱۲	۳۷/۵۰	۴۶/۸۷	۳۷/۵۰
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
سوء تعبیر نسبت به مفاد پیشفرض	۶/۲۵	۶/۲۵	۳/۱۲	۳/۱۲	۳/۱۲	۲۱/۸۷	۶/۲۵	-	-

ضمیمه

پیش‌فرضهای انجام برنامه تعدیل اقتصادی در بخش کشاورزی، ارائه شده توسط سازمان برنامه و بودجه کشور

- ۱) اینکه دولت تعیین قیمت تضمینی محصولات اساسی کشاورزی و لبنیات و گوشت سفید را تاحدی که قیمت تولید داخلی حداقل برابر با قیمت بین‌المللی (ارزانترین قیمت قابل خرید در بازارهای خارجی) + حداقل خرج حمل‌ونقل تا بندر کشور + ۲۰٪ مجموعه تعرفه گمرکی و سود بازرگانی + خرج حمل‌ونقل تا بازار عمده داخلی یعنی تهران باشد خواهد پذیرفت. نرخ تعرفه و سود بازرگانی با حذف سوبسید تولید در کشورهای فروشنده و افزایش تولید داخلی قابل کاهش تدریجی خواهد بود. به‌نحوی که اگر تولیدکننده داخلی کالای خود را در حد قابل رقابت در سطح بین‌المللی تولید کرد از واردات بی‌رویه آسیب نبیند.
- ۲) نوع محصولات کشاورزی خارجی و نهاده‌های وارداتی براساس دلار و نرخ دلار براساس نرخ بازار آزاد (میانگین آخرین سه ماهه در نظر گرفته شده) محاسبه خواهد شد. این نرخها مبنای محاسبات تعیین سقف قیمت تضمینی محصول داخلی قرار خواهد گرفت.
- ۳) واردات محصولات کشاورزی و دامی با نرخ ارز شناور و تعرفه و سود گمرکی بند ۱ و رعایت کنترل کیفیت قرنطینه و مانند آن آزاد خواهد بود. همچنین محدودیتی در صادرات محصولات داخلی به‌جز مراعات کنترل کیفیت و مانند آن مرعی نخواهد شد.
- ۴) دخالت وزارتخانه‌های کشاورزی، جهاد یا بازرگانی در بازار محصولات اساسی کشاورزی و دامی در جهت مدیریت بازار برای حذف نوسانات مشکل‌آفرین عمده‌تاً از طریق خرید محصول از بازار داخلی با قیمت تضمینی در زمان پایین بودن قیمت محصول و فروش آن در زمان افزایش نابهنگام قیمت صورت خواهد گرفت.
- ۵) وزارتخانه‌های کشاورزی و جهادسازندگی انحصار توزیع نهاده‌هایی که فعلاً در اختیار دارند را شکسته و امکان ورود مردم در توزیع، واردات و تولید نهاده‌ها با ارز شناور را فراهم آورده و محدودیت‌هایی به‌جز کنترل کیفیت و ملاحظات محیط‌زیست و قرنطینه را اعمال نخواهد کرد. توزیع نهاده‌ها (ماشین‌آلات، بذر، مواداولیه، کود و سموم، جوجه یک‌روزه، دان، علوفه) به بعضی تولیدکنندگان با قیمتی غیر از قیمت بازار روز منتفی شود و نهاده‌ها به قیمت تعادلی از طریق مکانیزم بازار به‌فروش خواهد رسید.
- ۶) انحصارات موجود در بازار نهاده‌ها مانند شرکتهای دولتی موجود که وظیفه توزیع ماشین‌آلات و مواداولیه را عهده‌دار هستند (مانند بنگاه توسعه ماشین‌آلات کشاورزی، شرکت پخش کود و سم، شرکت تهیه و توزیع بذر، شرکت تهیه و توزیع علوفه و سازمان مرکزی تعاون روستایی و...) و در بازار محصول (مانند سازمان چای، سازمان قندوشکر و سازمان گوشت...) منحل شود و سازمان غله و سازمان دخانیات،

با تصحیح قوانین از حالت انحصاری خارج شوند. ایجاد کارخانجات آرد با ارز شناور، تولید و توزیع آرد خارج از محدوده سهمیه‌های سازمان غله آزاد شود به بعضی از انواع نان اجازه تولید آزاد داده شود.

۷) تکلیف مالکیت زمینهای کشاورزی یکسره شده و زارعین صاحب نسق مالکیت قطعی زمینهای توزیع شده را حائز گردند. محدودیتهای متعدد موجود که در معاملات زمینهای کشاورزی موجود است برطرف شده تا از طریق معامله آزاد اندازه مزرعه به اندازه‌های اقتصادی میل کند.

۸) وزارتخانه‌های کشاورزی و جهادسازندگی از به کار بردن روشهای تحمیلی مانند یکپارچه کردن اجباری زمینهای کشاورزی، ایجاد شرکتهای تعاونی تولید اجباری یا مشروط کردن کمک اعتباری، سهمیه مواد اولیه و کود و ماشین‌آلات که به هر نحو زارعین را مجبور به شرکت در آنها نماید خودداری خواهند نمود. همچنین از تشکیل شرکتهای سهامی زراعی که بطور مستقیم یا غیرمستقیم یا از طریق هزینه‌های جانبی دولتی تشکیل شود خودداری خواهند نمود.

۹) وزارت کشاورزی و وزارت جهادسازندگی وظیفه ایجاد زمینه افزایش تولید محصولات کشاورزی و دامی، افزایش کارایی بهره‌وری از نهاده‌های موجود (زمین، آب، نیروی کار و...)، تشویق افزایش سرمایه‌گذاری، تحقیق در مورد بهبود روشهای تولید، توسعه و ترویج تکنولوژی مناسب و مبارزه با آفات، را به عهده داشته و وظایف تجاری مانند ورود به فعالیتهای تولیدی و بنگاهداری و خریدوفروش و توزیع و مانند آن را به بخش خصوصی واگذار می‌کنند. وزارتخانه‌های نامبرده نه خود در کار ایجاد انحصار فعالیت کرده و نه از طریق حمایت‌های اداری، سهمیه‌ای و مانند آن اجازه ایجاد انحصارات خصوصی را خواهد داد. وظیفه تولید و سرمایه‌گذاری به‌جز در مورد مزارع و واحدهای تحقیقاتی و ترویجی کالا به مردم واگذار می‌شود.

منابع و مأخذ

- ۱) اقتصاد سیاسی، تالیف ریمون بار، ترجمه دکتر منوچهر فرهنگ.
- ۲) ژرف نگری در انقلاب اروپا، تالیف رالف دارنررف، ترجمه هوشنگ لاهوتی.
- ۳) توسعه اقتصادی در جهان سوم تالیف مایکل تودارو، ترجمه دکتر غلامعلی فرجادی، حمید سهرابی.
- ۴) فرهنگ علوم اقتصادی، تالیف دکتر منوچهر فرهنگ.
- ۵) اجمالی بر عملکرد اقتصادی، اجتماعی جهان در دهه ۱۹۸۰ با تاکید بر کشورهای جهان سوم و کشورهای اسلامی تهیه شده توسط محمود زارعزاده، رم، آذرماه ۱۳۷۰.
- ۶) نگرشی بر کلیات سوبسید و سوبسید کودشیمیایی در کشورهای منتخب جهان، محمدرضا

حسینی کازرونی، رم اسفندماه ۱۳۷۰.

۷) سیاست نرخ ارز در کشورهای در حال توسعه، ترجمه مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، بهمن ۱۳۷۰.

۸) بازار جهانی گندم، تالیف محمدرضا صادقی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.

۹) مجلات اطلاعات سیاسی، اقتصادی.

۱۰) گزارش آلمان، اتحاد و خصوصی سازی، ترجمه غلامرضا نصیرزاده، از انتشارات سازمان

صنایع ملی ایران تیرماه ۱۳۷۰.

۱۱) گزارش برنامه تعدیل اقتصادی، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، معاونت امور اقتصادی

دفتر اقتصاد کلان، اسفند ۱۳۶۹.

۱۲) سخنرانی‌های «سینار کنکاشی پیرامون مسایل تعدیل اقتصاد ایران»، معاونت امور اقتصادی

وزارت اقتصاد و دارایی.

۱۳) گزارش اثرات اجرای برنامه تعدیل اقتصادی بر بخش کشاورزی، مجمع عالی پژوهش‌های

اقتصادی، اجتماعی مهرماه ۱۳۷۰.

۱۴) صورتجلسه‌های مجمع عالی پژوهش‌های اقتصادی، اجتماعی پیرامون برنامه تعدیل در بخش

کشاورزی.

۱۵) مجموعه اظهارنظرهای دستگاههای ستادی وزارت کشاورزی پیرامون برنامه تعدیل در بخش

کشاورزی تیرماه ۱۳۷۰.

۱۶) مجموعه اظهارنظرهای ادارات کل کشاورزی استان‌ها پیرامون برنامه تعدیل در بخش

کشاورزی، تیرماه ۱۳۷۰. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱۷) مقاله سیاست خصوصی سازی اقتصادی، نوشته حمید الیاسی، مجله آدینه، شماره ۷۱.

۱۸) گزارش کمیته بررسی امور و وظایف قابل واگذاری به بخش غیردولتی، وزارت کشاورزی،

اسفند ماه ۷۰.

19) Agricultural price policies in the Near East F.A.O. 1989.



- ۱) این موضوع با عنوان «بیشرفضهای انجام برنامه تعدیل اقتصادی در بخش کشاورزی» به‌طور رسمی اولین بار در ۹ بند در ۷۱/۲/۳۰ از طرف سازمان برنامه و بودجه اعلام شد. متن این پیشفرضها در پایان مقاله آمده است.
 - ۲) این نظر سنجی در سال ۱۳۷۱ انجام شده است.
 - ۳) بازار جهانی گندم، از انتشارات موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی ص ۱۰۲
 - ۴) همان مآخذ ۲۷۴
 - ۵) همان مآخذ ص ۱۰۰ - ۹۹
 - ۶) حقوق گمرکی عوارضی است که دولت به منظور حمایت یا اخذ مالیات از کالاهای بازرگانی به‌هنگام عبور کالا از کشور خود دریافت می‌کند. مجموعه حقوق گمرکی که یک کشور وضع کرده است تعرفه گمرکی را تشکیل می‌دهد. هدف مالیاتی غالباً توسط کشورهای فقیر که این حقوق بخش مهمی از منابع بودجه‌ای آنها را تأمین می‌کند، و نیز به‌وسیله کشورهای ثروتمند اما بشدت واردکننده دنبال می‌شود. با این همه تعرفه گمرکی در اغلب موارد یک ابزار طرفداری از مکتب حمایت است. به‌طور کلی تعرفه گمرکی فقط با رای پارلمان وضع می‌شود و تغییر می‌یابد. فراردها و موافقتنامه‌های بازرگانی باید به‌تصویب پارلمان برسد. اما عموماً دولت نیز اختیار وسیعی برای این کار دارد.
- ماخذ: اقتصاد سیاسی، دیمون بارد**
- ۷) ترجمه دکتر منوچهر فرهنگ، انتشارات سروش، صفحه ۷۷۹.
 - ۸) براساس این برنامه که تلفیقی از برنامه‌های اعتباری قبلی است؛ اعطای اعتبارات مختلط سه ساله جهت توسعه صادرات کالاهای کشاورزی آمریکا با نرخ بهره کمتر (عمدتاً برای کشورهای در حال توسعه) پیشبینی شده بود. هدف اصلی از تصویب قانون عمومی ۴۸۰ را می‌توان به‌طور عمده توسعه سیاست خارجی آمریکا از طریق صادرات مازاد محصولات کشاورزی و ایجاد بازار برای این منظور دانست که بعضاً قسمتی از آن در پوشش مبارزه با قحطی و گرسنگی در جهان عنوان می‌شود.
 - ۹) این برنامه که از سال ۱۹۸۵ از طرف وزارت کشاورزی آمریکا اعلام شده به‌وسیله قانون امنیت غذایی تا سال ۱۹۹۰ تمدید شده است.
 - ۱۰) خسارتی که بابت معطلی کشتیها در بندر، به‌علت انتظار نوبت تخلیه، به مؤسسه‌های حمل‌ونقل دریایی پرداخت می‌شود.
 - ۱۱) سیاست نرخ ارز در کشورهای در حال توسعه، مؤسسه تحقیقات پول و بانکی، بهمن ۱۳۷۰، صفحه ۱۲.